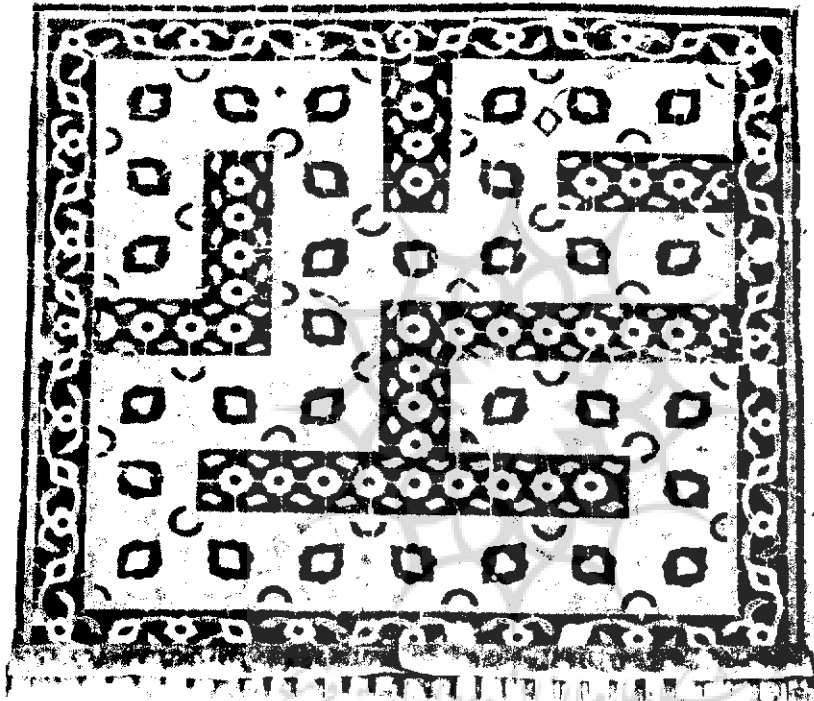




انعکاس آفتاب و جلوه تاریخ

(شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و ترجمه آن)



○ بخشعلی قنبری

این اثر آفتاب‌گونه، چون به اذهان وقاد و نقاد می‌تابد طیف‌ها و رنگ‌هایش نمایان می‌شود، اما هر ذهنی که قابلیت انعکاس بیشتری داشته باشد بازتابش نیز افزون‌تر است. ابن‌ابی‌الحدید یکی از انسان‌های طالب و شائق این آفتاب است که ذهن او بازتابی از انوار و حیاتی نهج‌البلاغه محسوب می‌شود.

برای گرامیداشت علی و نهج‌البلاغه به معرفی و بررسی این شرح می‌پردازیم.

علوم و توانمندی‌های ابن‌ابی‌الحدید

از آثار ابن‌ابی‌الحدید چنین به دست می‌آید که وی در تاریخ، ادبیات، فقه، اصول، کلام و شعر از تبحر بالایی برخوردار بوده، به علاوه این که بر متون دینی به ویژه قرآن، روایات پیامبر (ص) و عرفان و اقوال عارفان تسلط نیکویی داشته است. شرح نهج‌البلاغه از لحاظ علوم و دانش‌های ذکر شده در آن، شاهد صادقی بر توانمندی‌های وی است. ابن‌ابی‌الحدید بدون تردید در مسایل دانش‌های ذکر شده، صاحب‌نظر و در عین حال از ذخایر اطلاعاتی گرانبهایی نیز برخوردار بوده است.

مباحث تاریخی شرح نهج‌البلاغه که بخش عظیمی را به خود

○ شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، (۲۰ جلد در ۱۰ مجلد)

○ به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم

○ داراحیاء التراث العربی، بیروت

آثار برجسته و عمیق به گونه‌ای هستند که در هر عصر و مکانی جلوه‌ای دارند و چون زمان و مکان عوض شود به جلوه‌ای دیگر رخ می‌نمایند. آثاری که از ژرفای معنوی و محتوایی برخوردارند از این لحاظ پاینده‌تر و پایداترند. اگرچه مؤلفه‌های اصلی چنین آثاری می‌تواند گوناگون باشد اما هرگز با مؤلفه‌ی وحیانی در پایدگی معنایی قابل مقایسه نیستند، چه این آثار به اندازه برخورداری از وحی و وحدانیت استمرار می‌یابند. اگر خداوند بی‌پایان و بی‌انتهاست، آثاری از این دست نیز چون منتسب و منسوب و معلول آن نامتناهی هستند، پایان نمی‌پذیرند.

نهج‌البلاغه در زمره‌ی این آثار و نتیجه و معلول و محصول تفسیر وحیانی از وحی الهی است و علی(ع) همان فردی است که از طریق همنشینی با محمد(ص) با وحی آشنا می‌شود و آن را تجربه می‌کند؛ او همان کسی است که آثار مثبت وحی را در هدایت‌یافتگان می‌بیند و اثر منفی آن را در ناله‌های شیطان می‌یابد.





لابی‌الحسین البصری فی اصول الکلام ۱۱- العبقری الحسان ۱۲- نظم فصیح ثعلب ۱۳- الوشاح الذهبی فی العلم الالادی.^۵

عقاید و اندیشه‌ها

باوجود آن که در تقسیم‌بندی دینی - مذهبی ابن‌ابی‌الحدید سنی مذهب است اما گرایش‌های شیعی وی باعث شده تا بعضی او را شیعی معتزلی بدانند و یا حتی گفته شده که وی مشربی میان تسنن و تشیع برگزیده بود. وی در مباحث عقیدتی خود در شرح نهج‌البلاغه به موافقت با جاحظ تصریح دارد (۱۸۵/۸-۱۸۶) و به همین لحاظ او را معتزلی جاحظی شمرده‌اند.^۶

اما در هر صورت شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید گویای عقاید دینی و مذهبی اوست. وی مذهب کلامی و اعتقادی خود را کراراً در نثر و نظم خود آشکار ساخته و به آن مباحث کرده و معتزلی بودن خود را اظهار داشته است. به عنوان مثال در قصیده ششم از قصیده‌های هفتگانه و در پایان شرح نهج‌البلاغه که در شصت و سه سالگی آن را سروده و به ابن‌علقمی تقدیم کرده، از معتزلی بودن خود و شیفتگی به آن مکتب کلامی سخن گفته است. از سوی دیگر نقد او از آثار غزالی و فخر رازی هم نموداری دیگر از اعتقاد استوارش بر اعتزال بوده و تا پایان عمر نیز در اندیشه‌اش دگرگونی پدید نیامده است.^۷

البته برخی از صاحب‌نظران از قبیل ابن‌کثیر، ابن‌ابی‌الحدید را شیعه دانسته‌اند در حالی که بررسی شرح نهج‌البلاغه او نشان می‌دهد که برخلاف نظر وی می‌توان او را یک معتزلی معتدل دانست. او در آغاز کتابش اتفاق همه‌ی شیوخ معتزلی خود (متقدمان، متأخران، بصریان و بغدادیان) را بر صحت شرعی بیعت با ابوبکر نقل می‌کند و تصریح می‌نماید که از رسول خدا نصی بر آن بیعت وارد نشده، بلکه تنها انتخاب مردم که هم به اجماع و هم به غیر اجماع، راه تعیین پیشوا شمرده شده، موجب صحت آن است.^۸ اما ابن‌ابی‌الحدید به پیروی از مکتب معتزله بغداد، علی(ع) را افضل از خلفای سه گانه می‌داند و تصریح می‌کند که آن حضرت، هم در کثرت ثواب و هم در فضایل و خصال حمیده از دیگران برتر است.^۹ لیکن به عقیده وی افضلیت امام ضروری نیست و در خطبه‌ی آغاز کتاب در این مورد گفته است: سپاس خداوندی را که مفضول را بر افضل مقدم داشت.^{۱۰}

البته تذکر این نکته نیکوست که مفاهیم شیعه و سنی بسیار متفاوت از برداشت‌هایی است که در قرون ششم و هفتم و حتی در قرون اول و دوم بوده است زیرا این مفاهیم به ویژه پس از انسجام مکتب تشیع و مکاتب اهل سنت در قرن دوم و همچنین تحولات حاکمیت دوره‌ی صفویه در ایران، معانی نوینی به خود گرفته که تا عصر حاضر نیز ادامه یافته است. بنابراین شیعه‌ی قرن هفتم مسلماً با شیعه قرن پانزدهم متفاوت است و ابن‌ابی‌الحدید نیز از این قاعده مستثنی نیست.

برتری علی از سایر صحابه

ابن‌ابی‌الحدید در مواضع مختلف شرح نهج‌البلاغه در مقام مقایسه مولا علی(ع) با سایر صحابه پیامبر(ص) برآمده و در تمام آنها به پیروی از مکتب معتزله بغداد بر برتری آن حضرت بر سایر اصحاب تأکید کرده است. البته لازمی امامت بر امت، افضل بودن از سایرین نیست و افضل بودن

اختصاص می‌دهد، بیانگر تسلط ماهرانه وی بر این دانش بشری است. تفسیر ادبی برخی از خطبه‌ها، شرح و تفسیر اصطلاحات و واژگان نهج‌البلاغه - که اگر به طور جداگانه تنوین شود فرهنگنامه‌ی نهج‌البلاغه خواهد شد - نشان از مهارت او در ادبیات دارد. پرداختن به روش‌های جاری در علم اصول و آوردن نظرات فقهی و عقاید کلامی در این شرح سترگ همه نشانه‌هایی از ذوقن بودن وی در دانش‌های فوق است.

اما در زمینه شعر، ابن‌ابی‌الحدید از توانایی بیشتری برخوردار است. وی در شعر طبیعی رسا داشت و در انواع مضامین شعر می‌سرود، ولی در این میان مناجات و اشعار عرفانی او مشهورتر است. اطلاعات وی در زمینه فنون شعری نیز قابل توجه است، ضمن آن که بخش عمده‌ی اشعار مورد استفاده در متن شرح از خود شارح است. همچنین ذخایر شعری وی نیز درخور توجه است.

زندگینامه

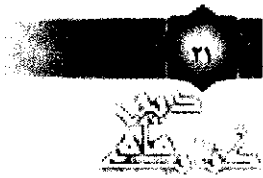
ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبة‌الله بن محمد بن محمد بن حسین بن ابن‌الحدید مدائنی، دانشمند، شاعر، ادیب، فقیه شافعی، اصولی معتزلی و متکلم برجسته در اول ذیحجه ۵۸۶ ق. برابر با سی‌ام دسامبر ۱۱۹۰ م. متولد و در سال ۶۵۶ ق. برابر با ۱۲۵۸ م. از دنیا رفت. وی در مدائن دیده به جهان گشود و در همان شهر پرورش یافت. پدرش قاضی مدائن بود. عزالدین در کودکی و به قولی در جوانی به بغداد رفت و در آن شهر در محضر علما و بزرگان مشهور بغداد که بیشتر آنان شافعی مذهب بودند، به قرائت کتب و اندوختن دانش پرداخت و در محافل علمی و ادبی شرکت جست و به قول صاحب نسمة‌السحر معتزلی جاحظی شد.^{۱۱}

ابن‌ابی‌الحدید در بغداد به بارگاه خلفای عباسی باریافت و به دلیل مدح و ستایش آنان، جوایزی نیز دریافت کرد و به مرتبه بالاتر و منصب عالی‌تر دست یافت و به عنوان کاتب در اتاق تشریفات مشغول شد. پس از آن در دیوان خلفا اشتغال یافت و سرانجام مسؤولیت گنجینه‌های کتاب در بغداد به او سپرده شد و تا آخر عمر در همین مسؤولیت باقی ماند.^{۱۲}

ابن‌ابی‌الحدید با وجود اشتغال به کارهای اجرایی از تحقیق و تألیف و بویژه شعر و شاعری غافل نشد به گونه‌ای که صاحب نسمة‌السحر در کتاب «کسانی که شیعه شدند و شاعر شدند» نام او را به عنوان شاعر ذکر کرده است. وی دارای دیوانی است و به همین لحاظ ابن‌شاکر او را از شاعران معروف و مشهور دانسته که در موضوعات گوناگون شعر سروده است.

ابن‌ابی‌الحدید در حمله هلاکوخان مغول به بغداد در سال ۶۵۵ ق / ۱۲۵۸ م. محکوم به مرگ شد ولی به شفاعت ابن‌علقمی و وساطت خواجه نصیرالدین طوسی نجات یافت هرچند روزگارش دیری نپایید و اندکی بعد در بغداد درگذشت.^{۱۳}

ابن‌ابی‌الحدید آثار زیادی در موضوعات مختلف تألیف کرد ولی مهم‌ترین اثر او شرح نهج‌البلاغه است. علاوه بر آن برخی از آثارش عبارتند از: ۱- الاعتبار ۲- انتقاد المستصفی للغزالی ۳- الحواشی علی کتاب المقصل فی النحو ۴- شرح المحصل للامام فخرالدین رازی ۵- دیوان الشعر ۶- شرح الیاقوت لابن نوبخت فی الکلام ۷- الفلک الدائر علی الملک السائر ۸- القوائد السبع العلویات ۹- المستنصریات ۱۰- شرح مشکلات الغرر





پارسایی و بزرگواری اسکافی چنان است که مسعودی از او به بزرگی و پارسایی و فردی معتقد به برتری علی(ع) یاد کرده است.^{۱۵}

ابن ابی الحدید ضمن شرح خطبه‌ی ۵۷ می‌نویسد: «شیخ ما ابو جعفر اسکافی که خدایش رحمت کند از کسانی است که به حقیقت از دوستان آن علی(ع) و از مبالغه‌کنندگان در تفضیل او بر دیگران است و هر چند اعتقاد به تفضیل میان عموم یاران بغدادی، شایع است، ولی ابو جعفر اسکافی در این عقیده از همگان استوارتر و اظهار نظرش خالصانه‌تر است.»^{۱۶}

دفاع ابن ابی الحدید از مولا علی (ع)

ابن ابی الحدید سنی باشد یا شیعه، معتزلی باشد یا غیرمعتزلی، در هر حال مدافع سرسخت مولا علی(ع)، نهج البلاغه و آموزه‌های آن حضرت بوده است. شرح‌های مدافعانه او درباره سخنان مولا گویای این مدعا است. ابن ابی الحدید بدون پروا پاره‌ای از اعتراض‌های تند مخالفان علی(ع) را طرح می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد، به عنوان مثال می‌گوید: «اگر بگویی علی(ع) که می‌گفته است: من دنیا را طلاق دادم، چگونه در پی رسیدن به خلافت و حکومت برآمده است، می‌گویم آری علی دنیا را طلاق داده بود اما به لحاظ بهره‌های دنیایی نه اینکه از امر به معروف و نهی از منکر و برپا داشتن احکام دین که خداوند به انجام آن فرمان داده است نیز خودداری کند و بدیهی است که انجام این امور جز با عهده‌دار شدن خلافت صورت‌پذیر نیست» اینگونه اعتراض‌ها و پاسخ‌ها در مسایل مختلف در شرح نهج البلاغه دیده می‌شود.

در همین راستا طعنه‌ها و اعتراض‌های بسیار تند نظام معتزلی از سران معتزله نسبت به علی(ع) را با حوصله تمام نقل کرده و با دلایل عقلی و نقلی پاسخ داده است.^{۱۷}

نکته دیگری که در این بخش لازم به ذکر است این که ابن ابی الحدید برخلاف برخی از بزرگان اهل سنت که به توجیه واقعی‌اش عاشر را پرداخته و درصدد برآمده‌اند تا ادعا کنند که یزید و دار و دسته‌ی وی مقصر نبوده‌اند، صریحاً به خطاکاری یزید و سروری و بزرگواری و در عین حال مظلومیت امام حسین(ع) اشاره کرده است.

او در این باره چنین نوشته است: «سرور و سالار این افراد که حمیت و آزادگی و مرگ زیر سایه‌ی شمشیر را به همگان آموخت و جانبازی را بر پستی و زبونی برگزید، ابو عبدالله حسین بن علی بن ابی طالب است که درود بر او و بر پدرش باد، با آن که به او و یارانش امان عرضه شده ولی به خواری و زبونی تن در نداد و چون می‌دانست که این زیاد برفرض که او را نکشد به گونه‌ای او را خوار و زبون خواهد ساخت، مرگ را بر زبونی ترجیح تمام نهاد و چنان سرمشق شد که چون یاران مصعب بن زبیر گریختند و او تنها با تنی چند از یاران خود برجای ماند و پایداری کرد این بیت را خواند:

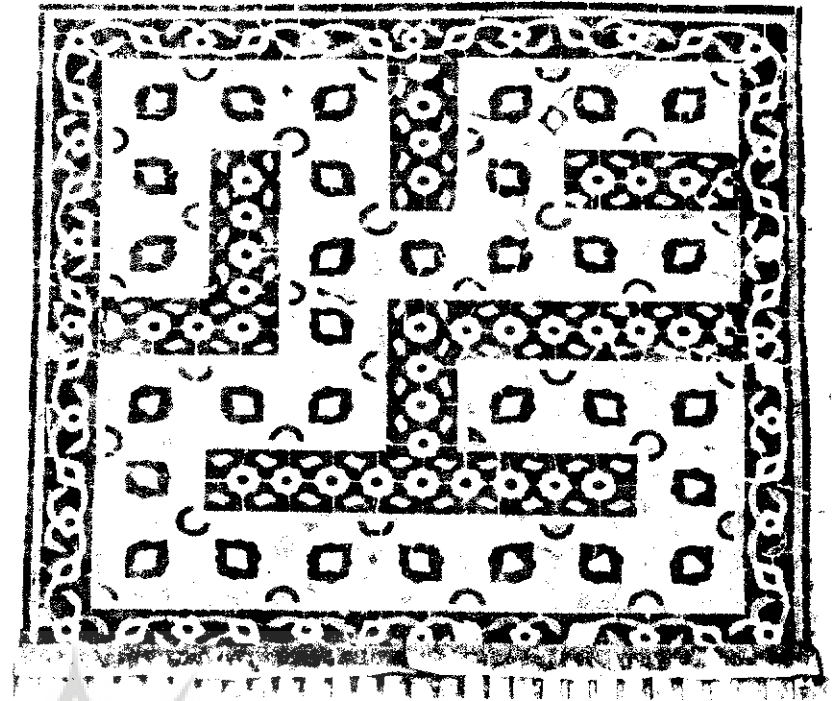
فان الالی با لطف من آل هاشم

تأسوا فستواللکرم الناسا

آن پیشگامان خاندان هاشم در کربلا چنان سرمشق شدند که به همه آزادگان درس پایداری دادند. از سخنان امام حسین(ع) به روز عاشورا که آن را امام زین العابدین نقل فرمود این گفتار است: همانا روسپی‌زاده پسر روسپی‌زاده، ما را میان دو چیز مختار کرده است: کشیدن شمشیر یا پذیرش زبونی، و زبونی از ما سخت‌تر است، خدا و پیامبرش و مؤمنان و دامن‌ها و آغوش‌های پاک و پارسا و سرشت‌ها و جانهای غیرتمند آن را برای ما نمی‌پذیرند.^{۱۸}

اهمیت شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این شرح از نظر موضوع و مزایای ادبی تاریخی اهمیت خاص دارد، زیرا ابن ابی الحدید که در زمان مغولان می‌زیسته گزارش میسوطی از ابتدای خروج مغول و فتح ماوراءالنهر و خراسان و عراق و دیگر نواحی و هجوم آنان به بغداد در کتاب خود نوشته است که از منابع مهم تاریخی در این موضوع



هم شرط کافی بر امامت است نیست.

ابن ابی الحدید در مواردی چنان مبالغه‌ای در وصف امام علی(ع) می‌کند که از آن بوی تشییع افراطی به مشام می‌رسد. قضایب سبع علویات وی متضمن ابیاتی در مدح آن حضرت است که این معانی از آنها تداعی می‌شود. در قصیده عینی می‌گوید:

مالدهر الاعبدک اتقن الذی

امرک فی البریه موع

یعنی «دهر کسی نیست جز بنده زر خرید و مطیع تو که همه‌ی ولع و شوقش به انفاذ و اجرای امر تو در میان مردم است» عجیب اینجاست که وی در همین ابیات به معتزلی بودن و شیعه نبودن خود اشاره می‌کند:

و رایب دین الاعتزال و انی

اهوی لاجلک کل من یتشیع

اعتقاد ابن ابی الحدید بر تفضیل مولای متقیان بر همه مسلمانان پس از خاتم پیامبران به گفته‌ی خود وی در مقدمه‌ی شرح نهج البلاغه، ریشه در قرن اول و دوم هجری دارد، و همان گونه که در شرح کلمه ۴۷۸ از کلمات قصار آورده است، موضوع افضل بودن و برتری علی(ع) در حضور عمر بن عبدالعزیز خلیفه خوشنام اموی و با حضور سران و بزرگان بنی‌امیه طرح و پس از تبادل نظر و بگومگویی بسیار پذیرفته شده و عمر بن عبدالعزیز بر آن حکم کرده است.^{۱۹}

نکته‌ی دیگری که باید درباره‌ی این اعتقاد ابن ابی الحدید گفته شود این است که برخی از نویسندگان به نقل از یوسف بن یحیی صنعانی، ادیب قرن یازدهم و دوازدهم هجری و متوفی به سال ۱۱۲۱ هـ. ق نوشته‌اند که ابن ابی الحدید معتزلی به گفته خود در نخستین سطرهای مقدمه، معتقد به برتری و تفضیل ابوبکر بر علی(ع) بوده و از سوی دیگر به طرفداری از عثمان کتاب العثمانیه را فراهم آورده است ناسازگار نیست و چنین به نظر می‌رسد که ابن ابی الحدید به عقیده و گفته‌های ابو جعفر محمد بن عبدالله اسکافی توجه بیشتری داشته است.^{۲۰} ابو جعفر اسکافی متکلم دانشمند سده‌ی سوم هجری که از معاصران جاحظ بوده و بر کتاب عثمانیه او ردیه نوشته به سال ۲۴۰ هـ. ق و پانزده سال پیش از مرگ جاحظ درگذشته است.





مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ذکر معانی لغات و واژگان متن اصلی؛ شرح و توضیح کلی متن؛ شرح اختصاصی عبارت‌های برگزیده که غالباً تفسیرهای مختلف پیرامون آنها طرح شده است؛ نقد و بررسی نظریات ارائه شده و استدلال به نفع نظریه خود یا نظریه مورد تأیید؛ ذکر شواهد از آیات، روایات و اشعار و نهایتاً پرداختن به بسط و توضیح برخی مطالب اعم از واقعه‌ای تاریخی، مقام یا حالتی عرفانی و یا زندگینامه شخصیت‌های مدنظر. در باب نکته آخر باید گفت که در این شرح تقریباً تمام شخصیت‌های برجسته نهج البلاغه (اعم از مثبت یا منفی) به تفصیل معرفی شده‌اند.

مزایا و ویژگی‌های شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید

۱- از نکته‌های جالب توجه در این شرح، ذکر پنج دعا از دعاهای صحیفه سجادیه است که ابن ابی‌الحدید آنها را «دعیه‌الصحیفه» نامیده و مقصودش صحیفه سجادیه است. وی این پنج دعا را از جمله ادعیه‌ای می‌داند که آنها را حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) انشا کرده و تلاوت می‌فرمود.

۲- دقت در وقایع و حوادث طبیعی در سطح گسترده. واقعیت آن است که شرح حاضر را می‌توان شرح تاریخی نهج البلاغه دانست به گونه‌ای که ترجمه بخش‌های تاریخی این شرح توسط استاد محمود مهدوی دامغانی شامل ۸ جلد شده است.

۳- از توفیقاتی که ابن ابی‌الحدید در این شرح از آن برخوردار بوده است اینکه شرح حاضر مملو از اطلاعات در حوزه‌های مختلف است. از این رو وی توانسته است در حواشی متن اطلاعات بسیار مفیدی را به خواننده عرضه کند. ابن ابی‌الحدید تقریباً بر تمام حوزه‌های علوم دینی زمان خود مسلط بوده و به‌طور مبسوط از آنها استفاده کرده است. به عنوان مثال تسلط او بر قواعد عربی در اغلب خطبه‌ها و نامه‌ها و احادیث نهج البلاغه مشهود است و یا مهارت بالایی او در علم معانی و بیان به وی امکان داده است تا در دفاع از جنبه‌های ادبی نهج البلاغه دست بالایی داشته باشد. مثلاً تحقیق و تفسیر تطبیقی خطبه ۲۷ نهج البلاغه شاهد قویم و استواری بر این مدعا است. وی توانسته است با بهره‌گیری از قواعد این علم، برتری ادبی این خطبه را بر خطبه ابن‌نباته اثبات کند و با دلایل بسیار متقنی ارجحیت ادبی سخن مولا را به ظهور برساند. او سخن ابن‌نباته را به آهن و سخن امام(ع) را به طلا تشبیه کرده است.^{۳۳}

۴- از مزیت‌های دیگر این شرح می‌توان به ارائه منابع و مأخذ مطالب نهج البلاغه اشاره کرد که به‌طور صریح از آنها نام برده و البته به استدراک آنها نیز پرداخته و نواقص آنها را برطرف کرده است، مثلاً در خطبه ۲۷ علاوه بر ذکر منبع آن به تطبیق و مقایسه نیز پرداخته و اشاره کرده است که در منبع مورد استفاده عبارتی مانند «حلوم الاطفال» ذکر نشده و به جای آن عبارت «یا طعام الاحلام» آمده است و آنگاه به نقد و بررسی آنها پرداخته و خواننده را به پذیرش مدعای خود دعوت می‌کند.^{۳۴}

۵- ابن ابی‌الحدید در جایی که توفیق بحث و استدلال را به دست می‌آورد، در ارائه دلایل ماهرانه عمل کرده و مدعیات خود و یا سخنان مولا را اثبات می‌کند و به‌طور دقیق با بهره‌گیری از ابزار منطق، کلام و فلسفه به دفاع از فرمایشات مولا می‌پردازد.

۶- تسلط شارح بر متون روایی و استفاده نیکو از آیات قرآن کریم و تسلط حیرت‌انگیز بر متون عرفانی رایج در آن عصر، به شارح این امکان را داده است که بتواند نهج البلاغه را از چشم‌اندازهای مختلف مورد بررسی قرار دهد.

۷- ذکر شأن و مکان گفتارها نیز از مزایای این اثر شگرف به شمار می‌آید هرچند این اقدام در تمام مطالب متن اجرا نشده است.

۸- تأثیرپذیری این شرح از قرآن کریم را نیز باید یکی از مزایای آن ذکر کرد. ابن ابی‌الحدید در تشخیص این نکته که ام‌المطالب نهج البلاغه آیات

به شمار می‌آید. او همچنین در این کتاب غیر از کتاب‌های مشهوری چون تاریخ طبری و سیره ابن‌هشام و آغانی و کتب معروف دیگر که در دسترس هستند، از کتاب‌های نادری استفاده کرده که امروز بعضی از آنها از میان رفته و یا در دسترس نیستند از جمله المقالات تألیف زرکان شاگرد ابراهیم بن سيار قطام و کتاب المقالات ابوالقاسم کعبی بلخی و کتاب فضایل امیرالمؤمنین علی(ع) از احمد بن حنبل و کتاب الجمل هشام بن محمد کاتبی و کتاب التکت از ابراهیم بن سيار نظام.^{۳۵}

یکی از مزایایی که بر اهمیت این شرح افزوده، اطلاعات بسیار زیادی است که در حوزه‌های مختلف علمی و دینی در آن گردآمده است. از این رو تمام شارحان نهج البلاغه از این کتاب بهره‌ها برده‌اند و از این جهت هیچ شرحی به قوت و تمامیت آن نمی‌رسد. این ادعا از آن رو مقبول است که ابن ابی‌الحدید اکثر اطلاعات موردنیاز شرح نهج البلاغه را گردآورده و این اطلاعات به گونه‌ای است که در هر عصری و مصری و به هر کیفیتی و رهیافت و روشی قابل استفاده است. از این لحاظ می‌توان شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید را کتاب مرجع تمام شرح‌های بعد از آن دانست مضافاً اینکه این اطلاعات در حوزه‌های دیگر از قبیل فقه، اصول، تاریخ، عرفان و ادبیات نیز قابل بهره‌گیری است.

چگونگی تألیف شرح نهج البلاغه

ابن ابی‌الحدید پس از تصرف بغداد به دست مغولها از جمله کسانی بود که در خانه‌ی وزیر مؤیدالدین سپس به ابن‌العقیمی با برادرش موفق از مرگ نجات یافت و نزد خواجه نصیر طوسی رفت و اداره کتابخانه‌های بغداد به او و برادرش موفق‌الدین و علی بن انجب واگذار شد.

مؤلف شرح نهج البلاغه در مقدمه کتاب می‌گوید که مؤیدالدین ابوبالاب محمد بن احمد بن محمدالعقیمی (وزیرالمستعصم بالله) او را بر تألیف این اثر واداشت. او ابتدا می‌خواست که این شرح مختصر باشد و اقتضای به ذکر معانی و لغات غریبه کند، اما بعد تصمیمش را عوض کرد و شرح مفصلی مشتمل بر غریب و معانی و علم بیان و سیر وقایع و حوادث با اشاره بر دقایق علم توحید و عدل و ذکر انساب و امثال و نکته‌ها و مواضع و آداب اخلاقی و بعضی مسایل فقهی نوشت^{۳۶} و تألیف آن از غره‌ی رجب ۶۴۴ تا آخر صفر ۶۴۹ ق. طول کشید که چهار سال و هشت ماه می‌شود و مطابق است با مدت زمان خلافت حضرت امیر.^{۳۷}

ابن کثیر در البداية و النهایة (حوادث ۴۴۹ ق) به این معنا اشاره کرده و می‌گوید که ابن‌العقیمی به پاداش این کتاب یکصد دینار و یک خلعت و یک اسب به او بخشید و ابن ابی‌الحدید به قصیده‌ای او را مدح کرد.

ابن ابی‌الحدید مدعی است که او نخستین شارح نهج البلاغه بوده و گفته است که کسی پیش از او کتاب نهج البلاغه را شرح نکرده بود جز سعید بن هبة‌الله بن الحسن الفقیه معروف به قطب راوندی (م ۵۷۳ ق) که از فقه‌های شیعه‌ی امامیه بود. ولی به گفته‌ی او راوندی اهل شرح این کتاب نبود، زیرا در مدت عمرش فقط به فقه اشتغال داشت و فقیه از کجا می‌تواند در این همه فنون گوناگون و علوم مختلف وارد شود؟ به همین لحاظ به گفته‌ی او، راوندی از عهده‌ی شرح برنیامده و او در موارد مقتضی به نقض شرح قطب راوندی پرداخته که این نقض و ایراد مخصوصاً در شرح خطبه‌ی نخست مشهود است.^{۳۸} وی در رد قول قطب راوندی مبنی بر این که حضرت امیر(ع) با زنی از بنی‌اسد ازدواج کرده بود می‌گوید: چنین نیست و آن حضرت قطعاً از بنی‌اسد زن نگرفته بود و پس از آن اسامی اولاد و ازواج آن حضرت را ذکر می‌کند و بعد می‌گوید: راوندی هرچه به خیالش می‌رسد بدون اینکه در آن باره تحقیق کند بر زبان می‌آورد.^{۳۹}

روش

روش تفسیری ابن ابی‌الحدید به این صورت است که ابتدا متن اصلی نهج البلاغه را آورده و پس از آن به شرح آن می‌پردازد. در شرح چند مسأله



می‌پردازد به گونه‌ای که خواننده نمی‌تواند اطلاعات و تفسیر منسجمی به دست آورد.

اشکال دیگر این تفسیر آن است که شارح محترم از هدف اصلی علم تفسیر متن غفلت کرده و اطلاعات مفید اما بی‌ربط زیادی را آورده است. این مطالب در مواردی آن اندازه زیاد است که اگر آنها را جداگانه تدوین کنیم رساله مستقلی می‌شود و در عین حال هیچ‌گونه کاستی در متن تفسیری به وجود نمی‌آید.

نکته دیگر این که شارح محترم بدون اینکه تبیین سخن مولا را مد نظر قرار دهد واژه‌های یا اصطلاحی را از متن استخراج کرده و چندین صفحه بدان اختصاص داده است. مثلاً وقتی در خطبه‌ای به اصطلاح «خوف» می‌رسد با اختصاص چندین صفحه به آن، سخنان زیادی از عارفان را در این باره ذکر می‌کند درحالی که معنای موردنظر مولا علی (ع) چیز دیگری است و ربط چندانی به معنای عرفانی و دریافت رایج از آن در میان صوفیان نداشته است. نکته شگفت اینکه وقتی اسم شخص، قبیله، گروه و طایفه‌ای ذکر می‌شود، وی به شرح و توضیح آن می‌پردازد، بدون آن که ارتباط آن با متن اصلی را ذکر کند. به عنوان مثال وی شصت صفحه را به مقایسه‌ی میان بنی‌هاشم و بنی‌عبدشمس و اثبات فضیلت بنی‌هاشم بر بنی‌عبدشمس اختصاص داده است.^{۳۳}

پی‌نوشت ها :

- ۱- ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، مقدمه، ص ۱۵
- ۲- محمدابوالفضل ابراهیم، مقدمه شرح نهج‌البلاغه، ص ۱۵
- ۳- همان
- ۴- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۴۱
- ۵- مقدمه شرح نهج‌البلاغه، ص ۱۸-۱۹
- ۶- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۴۰
- ۷- مقدمه محمدابوالفضل ابراهیم، ص ۱۲-۱۴
- ۸- شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۷
- ۹- همان، ج ۱، ص ۹
- ۱۰- همان، ج ۱، ص ۳
- ۱۱- میراث جاویدان، ش ۱ و ۲ سال ۷۸، صص ۵۹-۶۰
- ۱۲- مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۸
- ۱۳- شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۶۳
- ۱۴- میراث جاویدان، ش ۲-۱، نکته‌هایی درباره‌ی ابن‌ابی‌الحدید و شرح نهج‌البلاغه، محمود مهدوی‌دامغانی، ص ۶۳
- ۱۵- شرح نهج‌البلاغه، ج ۵، شرح خطبه‌ی ۷۰، صفحات ۱۲۹-۱۳۴، محمد ابوالفضل ابراهیم
- ۱۶- شرح نهج‌البلاغه، ج ۳، صفحات ۲۴۹-۲۵۰
- ۱۷- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۴۱
- ۱۸- شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، مقدمه مؤلف، ص ۴
- ۱۹- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۴۱
- ۲۰- شرح نهج‌البلاغه، ج ۹، صص ۲۴۳-۲۴۴
- ۲۱- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۹۵
- ۲۲- شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۸۲
- ۲۳- شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۷۹
- ۲۴- همان، ج ۱۶، صص ۷۹-۸۲
- ۲۵- دامغانی، میراث جاویدان، شماره ۱-۲، ص ۶۵
- ۲۶- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۴۱
- ۲۷- شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، صص ۱۲۶-۱۳۰

قرآن کریم است راه صواب را طی کرده است. از این رو اثرگذاری قرآن کریم بر این شرح مشهود است به گونه‌ای که در اشعار وی نیز به چشم می‌خورد. مثلاً وی ضمن شرح نامه ۳۱ می‌گوید: «من در اقسام شعر، شهره به سرودن مناجات و شعرهای عارفانه شده‌ام» و سپس ۵۸ بیت از سروده‌های خود را می‌آورد^{۳۴} و در همان ابیات تأثیر قرآن و دعا و حدیث به روشنی دیده می‌شود.

۹- از نکته‌های جالب این شرح آن است که ابن‌ابی‌الحدید نظرات خود را به صراحت نام بیان می‌کند. مثلاً لعن تبهکاران را به صراحت ذکر کرده و اظهار می‌دارد که قرآن نیز ما را به لعن آنان فراخوانده است.

بدین لحاظ برخلاف غزالی که لعن یزید را روا نمی‌دانست به لعن و نفرین او پرداخته و نظر خود را درباره او به روشنی بیان کرده است.

۱۰- جامعیت شرح حاضر به لحاظ غنای اطلاعات و رهیافت‌ها نیز از دیگر مزایای آن است. ابن‌ابی‌الحدید مانند برخی شارحان، خود را محدود و مقید به حوزه و رهیافت خاصی نکرده بلکه با برخورداری از اطلاعات متنوع، از چشم‌اندازهای گوناگونی به این کتاب عظیم نگریسته است. این جامعیت ریشه در تحصیلات و رشته‌های درسی وی و حوزه علمی-دینی عراق دارد، چه تنوع علمی شخص می‌تواند فضاهای نوینی را برای او به وجود آورد. مکتب عراق در برابر مکتب مکه و مدینه به آزادی اندیشه و تفاوت آراء و عقاید شهره بود و غواصان دریای اندیشه، امکان جولان عظیمی داشته‌اند و پیروزمندان این برخورد اندیشه قطعاً اثرگذاران بزرگ تاریخ فکر و اندیشه و دانش بشری می‌شدند. ابن‌ابی‌الحدید نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. افزون بر اینها وی به نوعی، نماینده دو مذهب بزرگ شیعه و سنی در شرح نهج‌البلاغه است.

بی‌تردید برخورداری ابن‌ابی‌الحدید از دانش‌هایی مانند تاریخ، کلام، فلسفه، ادبیات، ملل و نحل، عرفان اعم از عرفان شریعتی و عرفان غیرشریعتی (سکری مذهبمان مانند یازید بسطامی) و علوم قرآنی (اعم از انواع خاص علوم قرآنی و علوم حدیثی) باعث شده است تا وی نهج‌البلاغه را با رهیافت‌های گوناگونی مورد بررسی قرار دهد و همین تعدد رهیافت‌ها باعث شده کاربرد این اثر متعدد و مستمر شود.

۱۱- نکته دیگر این که ابن‌ابی‌الحدید در اغلب علوم و دانش‌های یادشده، فردی صاحب نظر و قوی دست بوده است. به عنوان مثال تسلط او بر ادبیات به وی امکان داده تا علاوه بر شناخت زوایا و صنایع ادبی به کار رفته در نهج‌البلاغه به ایرادات کسانی که بر وجود سجع در نهج‌البلاغه خرده گرفته‌اند، به تفصیل پاسخ بگوید.^{۳۵} وی سراسر سخنان علی (ع) را به جسم بسیطی که قسمت‌های گوناگون آن در ماهیت با یکدیگر اختلافی ندارند، و نیز به قرآن کریم که اول، وسط و آخر آن و همچنین تمامی سوره‌ها و آیات آن در مآخذ و شیوه و فن مانند یکدیگرند، تشبیه می‌کند.^{۳۶}

کاستی‌های شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید

منظور از شرح یک متن دستیابی به مقصود اصلی آن متن است. به عبارت دیگر منظور از شرح یک اثر بازخوانی متن مزبور از نقطه‌نظر صاحب آن است. بعلاوه بهره‌گیری از امکانات و علومی که فهم آن متن و گشودن زوایای مختلف آن را تسهیل می‌کند. اگر بخواهیم براساس این تعریف شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید را ارزیابی کنیم باید بگوییم که این شرح با وجود مزیت‌هایی که دارد و بیشتر به آنها اشاره شد، در دستیابی به هدف خود موفق نبوده است. زیرا ابن‌ابی‌الحدید به فهم متن نهج‌البلاغه یا بهره‌گیری از سخنان آن اهتمام نورزیده و یا در تمام مقاطع متون به این امر توجه نکرده است. البته فراموش نشود که وی توجه لازم را به پرداختن به حواشی و زمینه‌های فهم متن داشته و در ارائه‌ی آنها موفق بوده است.

نکته‌ی دیگر این که ابن‌ابی‌الحدید وقتی به شرح و تفسیر اصل متن می‌پردازد در صدد فهم کلی متن بر نمی‌آید بلکه به طور منقطع به شرح آنها





استفاده، مأخذ ترجمه شده به فارسی را مرجع قرار داده و براساس آنها به ذکر منبع پرداخته است.

مطالب و محتوای اثر

ترجمه ۸ جلدی شرح نهج البلاغه علاوه بر مقدمه مترجم که ۲۲ صفحه را شامل می‌شود، مقدمه مولف که شامل موارد زیر می‌شود، به طور کامل ترجمه کرده است:

- ۱) بررسی اعتقاد معتزله درباره امامت
- ۲) گفتاری درباره نسب امام علی(ع) و اشاره به برخی فضایل آن

حضرت

- ۳) گفتاری درباره سیدرضی و بیان برخی از ویژگی‌های وی
- علاوه بر این مقدمات خطبه‌های ۱ الی ۵۳، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹ تا ۳۹، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۶ تا ۴۸، ۵۱ الی ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۸۳ تا ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۲ تا ۱۲۶، ۱۳۰ تا ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶ تا ۱۴۸، ۱۵۰ تا ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱ تا ۱۶۳، ۱۶۵ تا ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴ تا ۱۷۹، ۱۸۱ تا ۱۸۶، ۱۹۰ الی ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹ الی ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۱ تا ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹ الی ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸ تا ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۸ تا ۲۴۲

نامه‌ها

- نامه‌ی ۱، ۳، ۶، ۷، ۹ تا ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵ تا ۳۹، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱ الی ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸ و ۷۹

حکمت‌های کوتاه

حکمت‌های ۱ تا ۴۸۸ به طور کامل ترجمه شده است. درباره محتوای مطالب این ۸ جلد یک نکته را باید یادآور شویم که این اثر از نظر علم رجال و تذکره یاران مولا علی علیه السلام، دشمنان آن حضرت، معصومان بزرگوار، پیامبران پیشین و پیامبر گرامی اسلام و ده‌ها شخصیت دیگر از ویژگی‌های ممتاز این اثر است.

ویژگی‌های دیگر اثر حاضر:

اثر حاضر محاسن و مزایایی دارد که برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱) ترجمه روان و سلیس علمی در حوزه تحقیقی - علمی
- ۲) فهرست مطالب و فهرست اعلام، امکان و فرق.
- ۳) رایای منابع و مأخذ مورد لزوم
- ۴) توضیح مطالب پیچیده و راهنمایی خواننده.

پی‌نوشت‌ها:

- ۳۰ - مقدمه ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص نوزده.
- ۳۱ - مقدمه ترجمه، ج ۸، ص ۲۹۸.
- ۳۲ - ترجمه، ج ۱، ص نوزده.
- ۳۳ - همان.
- ۳۴ - همان، ص بیست مقدمه

۲۸ - جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۶، صفحات ۲۶۰-۲۲۴
 ۲۹ - مهدوی دامغانی، محمود، میراث جاویدان (مقاله نکاتی درباره ابن ابی‌الحدید و شرح نهج البلاغه) شماره ۱-۲، ص ۶۲

جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید

○ جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید
 ○ ترجمه استاد دکتر محمود مهدوی دامغانی
 ○ نشر نی

تاکنون از شرح نهج البلاغه معروف ابن ابی‌الحدید ترجمه‌ای کامل به فارسی صورت نگرفته است. با این وجود استاد دکتر محمود مهدوی دامغانی با توجه به اشرف و گرایشی که به تاریخ اسلام داشته است نسبت به ترجمه بخش‌های تاریخی این شرح شرک پرداخت، که حاصل آن زحمات یک دوره شرح تاریخی نهج البلاغه در هشت جلد شده است. طبیعی است که چنین اثری می‌تواند برای آن دسته از نهج‌البلاغه‌پژوهانی که توانایی استفاده از متن عربی شرح این اثر به زبان عربی را ندارند بس غنیمت است.

هدف و روش

استاد مهدوی دامغانی هدف از تهیه این برگردان را چنین آورده است: «هدف اصلی این بنده هم استخراج مطالب تاریخ اسلام از مجموعه مطالب ابن ابی‌الحدید و ترجمه آن به فارسی بوده، تا استفاده از این کتاب برای فارسی‌زبانانی که نمی‌توانند از متون عربی بهره‌مند شوند فراهم آید.»^{۳۰} هدف مترجم وقتی صریح‌تر می‌شود که بدانیم که شرح ابن ابی‌الحدید در واقع دایرة‌المعارف بزرگی پیرامون اسلام است که مطالب و موضوعات بسیار متنوعی را دربرمی‌گیرد که از جمله آنها می‌توان به اعتقادات، اخلاق، عرفان و تصوف، ادبیات، تاریخ، فقه، اصول، علم انساب، فرهنگ و ادب عرب و... اشاره کرد که الحق و الانصاف در ضمن هر یک از آنها مطالب مفیدی آمده است و به جرات می‌توان گفت که نظرات همه عالمان بزرگ و صاحب‌نظر مذاهب و فرق اسلامی آن دوران ارایه شده است. از این جهت شرح ابن ابی‌الحدید شرح تطبیقی نهج البلاغه هم می‌توان نامید.

به هر حال مترجم محترم از میان تمام این مطالب بخش تاریخ را برای ترجمه برگزیده است که البته بخش عمده مطالب این شرح را به خود اختصاص داده است و ابن ابی‌الحدید به دنبال بهانه‌ای مطالب عمیق تاریخی را آورده است به گونه‌ای که حتی اگر به طور مستقل چاپ شود خود رساله مستقل و ذی‌قیمتی خواهد بود. این اثر در مدت ۳ سال ۲ ماه و ۱۱ روز که آغاز آن دوشنبه ۶۷/۷/۲۵ و پایان آن ۱۳۷۰/۱۰/۱۶ است انجام یافت.^{۳۱}

مترجم محترم نسخه تحقیقی و تصحیح شده و چاپ انتقادی محمدابوالفضل ابراهیم را انتخاب کرده است و از مطابقت آن با نسخه چاپ سنگی (۱۲۷۱ق) که در اختیار داشته است غفلت نورزیده است.^{۳۲} مترجم برای سهولت استفاده خوانندگان و تطبیق آن با اصل نهج البلاغه شماره خطبه و نخستین عبارت آن را آورده است و به دنبال آن مطالب سیاسی و اجتماعی را ترجمه کرده است.^{۳۳}

مترجم محترم برای مزید اطلاع پاورقی‌های عالمانه مصحح کتاب را نیز ترجمه کرده است و گاهی موارد خود نیز اضافاتی در حواشی نوشته است که با حرف «م» (مترجم) از توضیحات مؤلف و مصحح جدا شده است. کاربرد دیگری که مترجم انجام داده است برای تسهیل در مراجعه به منابع مورد

